

متن پرسش

استاد سلام: با توجه به سوال ۲۴۸۹۴ چرا هیوم که به داده حسی تکیه می کند، در جایی به این نتیجه می رسد که طبیعت خود به گونه ایست که مجبوریم به خارجیت آن یقین کنیم، خب این حرف هیوم یعنی رسیدن به خارجیت طبیعت و اشیا و اینکه با این حرف اعتراف می کند واقعیت خارج یا طبیعت، مستقل از ذهن است و خود مستقلاً خارجیتش را می نمایاند چه بخواهیم چه نخواهیم، چگونه هیوم که به داده حسی تکیه می کند به این درک وجدانی می رسد و به آن اعتراف می کند. ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خود هیوم هم می گوید در زندگی اش مقید به آن چه که فلسفه‌ی آمپریست به او می رساند، نیست. عرایضی در همین رابطه در جزوه‌ی «تاریخ فلسفه‌ی غرب» شده است. موفق باشید